

قدرت‌نمایی پهلوی اول در جنوب امیرآباد

موضوع: میدان سان ورژه
ویژگی: ساخت محل ویژه برای رژه نیروهای ارتش

امیرآباد تا دوره قاجار یکی از قریه‌های کوچک و آرام تهران بود، اما در دوره پهلوی اول دوره پر تلاطمی را از سر گذارند. استقرار نیروهای آمریکایی از یک‌سو و ایجاد میدان سان ورژه از سوی دیگر، پای نظامیان را به این محدوده باز کرد و خواب اهالی امیرآباد را در همسایگی باغ‌های جلالیه آشفته کرد.

پهلوی اول که علاقه وافری به خودنمایی و قدرت‌طلبی داشت تصمیم گرفت یک میدان مخصوص برای رژه نیروهای ارتش تدارک ببیند تا هر از گاهی سان ببیند و قدرت نظامی‌اش را به رخ بکشد. از بین چند مکان مختلف که برای ایجاد میدان سان ورژه در نظر گرفته شده بود، قرعه به نام امیرآباد و اراضی جلالیه افتاد که رضاشاه برای انتخاب این منطقه دلیل خاصی داشت.



نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، در این باره می‌گوید: «رضاشاه بعد از به قدرت رسیدن دستور داد میدان مخصوصی برای رژه ارتش ایجاد کنند. او علاقه خاصی داشت که مراکز نظامی حوالی محل زندگی‌اش در کاخ مرمر باشد تا در اسرع وقت امیران و فرماندهان نظامی را احضار کند. به همین دلیل هنگ پهلوی، هنگ بهادران و هنگ آهن در یادگان‌های باغ شاه و جی مستقر و کمی آن طرف‌تر فرودگاه نظامی قلعه‌مرغی را ایجاد کرده بودند. میدان سان ورژه هم با همین پیش فرض در محل فعلی پارک لاله ساخته و به محل ویژه رژه نیروهای ارتش تبدیل شد.»

میدان سان ورژه طراحی پیچیده‌ای نداشت. به دستور رضاشاه، یک جایگاه ویژه مسقف در اراضی جلالیه و نزدیک به نهر کرج ساخته بودند و نیروهای ارتش در مناسبت‌های مختلف در همین مکان رژه می‌رفتند. حدادی در ادامه می‌گوید: «میدان سان ورژه هیچ سازه‌ای نداشت و بعد از مراسم رژه به‌طور کامل تخلیه می‌شد. این میدان نظامی تا قبل از جنگ جهانی دوم جلال و شکوهی داشت، اما بعد از ورود نیروهای متفقین به پایتخت رو به افول گذاشت و بعد از سقوط حکومت پهلوی اول به‌طور کامل از بین رفت. این احتمال دور از ذهن نیست که آخرین مراسم میدان سان ورژه امیرآباد قبل از ورود نیروهای متفقین و در نیمه اول سال ۱۳۲۰ شمسی برپا شده باشد.»



امیرآباد جنوبی مدیون «اخوان» است

دهه ۳۰ فردی به نام «اخوان» که تاجر جای بود از کاشان به تهران مهاجرت کرد و زمین‌های وسیعی را از زرتشتیانی که در امیرآباد ساکن بودند، خرید و باغ‌ها و خانه‌ها و ویلاهای بزرگی را در انتهای خیابان کاشانک آن زمان و شهیدمظفری‌خواه امروز ساخت. او این زمین‌ها را به متراژ کوچک‌تر تفکیک کرد و سپس آنها را فروخت.

علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، درباره باغ اخوان و توسعه این بخش می‌گوید: «اخوان این زمین‌ها را اوایل دهه ۳۰ خرید. با توجه به اینکه توسعه تهران تازه شروع شده بود و محله‌ها آرام‌آرام در حال شکل‌گیری بودند، اخوان شروع به قطعه‌بندی و فروختن این املاک با قیمت‌های مناسب به افرادی کرد که قصد داشتند در این منطقه ساکن باشند. اخوان عاشق سوارکاری بود. این علاقه باعث شده بود او در خانه باغش، چندین اصطبل بسازد و اسب‌های زیادی را نگهداری کند. چندین خانه هم برای سکونت خدمه ساخته بود. ۲ کوچه از کوچه‌های شرقی و غربی این خانه‌باغ را هم به نام پسرانش نام نهاد. یکی از کوچه‌ها به نام مهرداد و دیگری ایرج بود. کوچه مهرداد هنوز نام خود را حفظ کرده، ولی نام کوچه ایرج تغییر کرده است. در گذشته برخی از خیابان‌های اطراف اسامی زرتشتی مانند تیرگه، آتشکده خورشیدیان، آذر کمانگیر... داشتند. علت آن هم حضور زرتشتی‌هایی بود که در آنجا ساکن بودند. برخی از این اسامی طی سال‌ها تغییر کرده است، ولی نام برخی دیگر در خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف خانه‌باغ اخوان به سمت خیابان زرتشت هنوز دیده می‌شود.»

بعد از فروش زمین‌ها و توسعه ساخت‌وساز در این محدوده تأمین آب برای سکونت، به عاملی مهم تبدیل شد که اخوان در این زمینه هم دست به کار شد.



موضوع: نحوه آبرسانی محله به ساکنان

ویژگی: نخستین سیستم آبرسانی خصوصی پایتخت



خانه اخوان

او برای تأمین آب، چاهی در باغ حفر کرد و اهالی از آن برای آبیاری و آشامیدن بهره‌برداری کردند. اخوان برای افرادی که زمین می‌خریدند، لوله آب می‌کشید و از همین چاه به آنها آب می‌رساند. به همین دلیل افراد زیادی، به خصوص ارتشی‌ها، به خرید خانه و ملک در امیرآباد ترغیب شدند. به مرور، مردم اطراف باغ اخوان، محدوده خیابان زرتشت و خیابان کارگر امروزی، به خرید خانه تمایل پیدا کردند.»

علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، هویت تاریخی این محله را در گرو فعالیت‌های اخوان می‌داند و می‌گوید: «امیرآباد جنوبی مدیون این خانه‌باغ و صاحب آن است، چون شکل‌گیری اولیه محله از طریق اخوان اتفاق افتاد؛ مخصوصاً با سیستم آبرسانی‌ای که ایجاد کرده بود. در واقع می‌توان گفت او یک سازمان آب خصوصی تأسیس کرده بود. در دهه ۳۰ کنار باغ اخوان دفتری قرار داشت که مردم برای پرداخت بهای آب به آنجا مراجعه می‌کردند. اخوان برای حق اشتراک از این آب برای هر مشترک، ۵ تومان در نظر گرفته بود که در آن زمان مبلغ کمی محسوب نمی‌شد. بعدها که لوله‌کشی در منطقه‌های مختلف تهران انجام و در منطقه ۶ هم نخستین تصفیه‌خانه راه‌اندازی شد، کم‌کم صحبت از لوله‌کشی آب شهری به میان آمد و عملاً سازمان آب اخوان به حاشیه رفت و کار خود را از دست داد.»

اخوان آب‌انباری هم داشت که آب امیرآباد را تأمین می‌کرد و به آب اخوان شهرت داشت، ولی الان متروکه شده است. این آب‌انبار حدود ۱۰۰ متری خانه‌باغ و بالاتر از سطح زمین قرار داشت.

کاشت کنگر با آب رودخانه قل قلی



موضوع: مزارع کنگر گندم، جوو باغ‌های پرمحصول

ویژگی: با اشغال متفقین و سکونت‌شان در امیرآباد مزارع و باغ‌ها کم‌کم از بین رفت.



تا دوره پهلوی اول، امیرآباد از جمله مناطقی بود که باغ‌های وسیعی داشت و به عبارتی، منطقه‌ای بیلاقی به حساب می‌آمد. البته آنطور که در منابع تاریخی آمده است در دوره قاجار این محدوده تفرجگاه درباری‌ها بود؛ چراکه باغ‌های پرمحصول و مزارع بزرگ گندم، جو و کنگر داشت.

در واقع تا قبل از جنگ جهانی دوم و اشغال بخشی از امیرآباد توسط نیروهای متفقین، این منطقه روزگار باشکوهی را سپری می‌کرد و کشاورزان در مزارع این محدوده زندگی آرامی داشتند. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، در این باره می‌گوید: «تا اواخر دوره پهلوی اول که ساخت‌وسازها در پایتخت شدت نگرفته بود، محدوده‌ای که هم‌اکنون بیمارستان قلب تهران و کوی دانشگاه در آن واقع شده، مملو از باغ‌های وسیع کنگر بود. در آن روزگار کنگر در مناطق بیلاقی پایتخت

می‌شد و با عبور از بزرگراه شهید چمران به ضلع غربی محله امیرآباد می‌رسید و به دلیل وجود سنگ‌های زیادی که در مسیر رود وجود داشت، هنگام عبور آب صدای دلنشینی شبیه قل‌قل آب تولید می‌شد و به همین دلیل محلی‌های امیرآباد نام رودخانه قل‌قلی را برای آن انتخاب کرده بودند. گفته می‌شد این رودخانه هنوز به‌طور کامل از بین نرفته و به شکل کانالی از آب همچنان جریان دارد، اما از صدای قل‌قل آب دیگر خبری نیست.»

خوب رشد می‌کرد و این محصول در باغ‌های امیرآباد به وفور برداشت می‌شد. می‌توان گفت که کنگر یکی از محصولات اصلی امیرآباد بود، اما باغ‌های کنگر در دوره پهلوی دوم یکی پس از دیگری تخریب شدند و اثری از آنها باقی نماند.»

آن‌طور که در منابع مکتوب تاریخی آمده است، رودخانه قدیمی‌ای که از شمال تهران و اوین و در که سرچشمه می‌گرفت، باغ‌های کنگر در امیرآباد را سیراب می‌کرد. حدادی در ادامه می‌گوید: «رودخانه «قل‌قلی» از شمال تهران سرازیر